سال اول - شماره ۹۷ — صبح یکشنبه ۴ دیماه ۱۳۲۲ — تکشماره یک ریال


# آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: ج. پیشه‌وری

« بهای اشتراک »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دولت صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها با دفتر اداره است

جای اداره:
( خیابان ... )

آژیر روزهای یکشنبه - سه‌شنبه - پنجشنبه منتشر میشود


## چند مورد نقض قاعده بازی

### شلوغی و هرج و مرج در طبقه بالا

یک بار چندی پیش گفتیم که ارتجاع همیشه نقض کننده قاعده بازی است ولی آزادیخواهان و ترقی طلبان باید دو این کار پیش دستی کنند. زیرا نفع آنان نیست. پیش‌دستی کردن درست. ولی تذکر موارد نقض لازم است. هر وقتی موارد نقض را دیدیم، یا شنیدیم باید بگوئیم، بنویسیم، مردم را بیدار کنیم - از تکرار آن جلوگیری کنیم اگر واقعاً وکیلانی در مجلس داریم بوسیله آنان بگوش تمام ایران برسانیم اینها از شرایط اولیه بنای دموکراسی است. آزادی نطق و اجتماع و مطبوعات هم برای همین تذکرات است ...

[illegible]

## کاندید وکالت و اتومبیل کرایه

[illegible]

بقیه از شماره پیش

تألیف ولادیمیر پاتمکین عضو آکادمی شوروی

## از مونیخ تا آغاز دومین جنگ جهانی

[illegible]

## نامه وارده

بوسیله آقای دکتر فریدون کشاورز مجلس شورای ملی - آقای نخست‌وزیر - وزارت پیشه و هنر - آژیر - مردم گیتی ...

[illegible]

... عمل زشت کارخانه‌های قالی بافی ... کرده و از مجلس شورای ملی و مقام نخست‌وزیری جدا تقاضا میکند این لکه کثیف با قیافه قرون وسطی را از دامن دموکراسی ایران زدوده و راضی نباشند قسمتی از کودکان زحمت‌کش این کشور را که بایستی در اینموقع اوقات خود را در دبستانها صرف کرده تا بحد رشد برسند و مردانی آزموده و وطن پرست گردند باین وضع فجیع دچار ذلت و ناکامی از حیات کنند که جان شیرین خود را فدای منافع سرشار صاحبان کارخانه‌ها کرده و مادران بیچاره‌شان را داغدار و لطمهٔ بزرگی بازوی اولاد این آب و خاک وارد آورند.

سازمان آزادی بانوان

## تلگراف از شهسوار

حزب توده ایران روزنامه رزم آژیر مردم آقایان دکتر کشاورز فداکار شهاب وکیل رادمنش رحیمیان انتخاب پنج نفر فوق را بعنوان رفقای حزب توده ایران شادباش گفته و موفقیت والای حزب توده را که طرفدار آزادی است از خداوند خواستاریم کمیته محلی شهسوار

خورشید ایران بزودی با سبک تازهٔ منتشر میشود


## آگهی

### از طرف کانون پزشکان ایران

کانون پزشکان ایران که به ثبت رسمی رسیده و دارای شخصیت حقوقی است و مرامش حفظ شرافت و منافع صنفی پزشکان میباشد از تاریخ پنجم آذر ۱۳۲۲ اعضای جدید میپذیرد آقایان پزشکانی که مایل بعضویت هستند برای کسب اطلاع و دریافت اساسنامه و ثبت نام همه روزه صبح و عصرمی توانند به بیمارستان کیهنه مراجعه کنند

رئیس کانون - دکتر ... عدل

۱-۵

## تفسیر اخبار داخله

### مختاری آزاد است!

بطوری که روزنامه های «رعد امروز» ، «ایران» ، «مردم» اطلاع می دهند مختاری در بیمارستان شهربانی در اطاق مجللی بعنوان «مریض» آزاد است و زندگی مجللی دارد و پرسش‌های دادگستری نمیدهد.

خوب است آقایان دادگستری که از مکرم‌ترین مقامات مملکت در این باره توجه و صدای شکایت بلند می کنند توضیح بدهند چه کسی برای مختاری مستکرم باصطلاح شاهانه این آزادی و راحتی را فراهم و جور کرده است.

از قراری که «رعد امروز» می نویسد حتی آقای نیمرمان مستشار امریکائی شهربانی از این امر متأثر است و از این مقدمه چنین برمیآید که اختیار از دست او هم خارج شده است و کاری نمیتواند بکند.

دادگستری باید دراین امر مداخله کند و زندان را مورد بازخواست قرار داده و ملزم و مجبور باطاعت قوانین نماید.

علی‌بلاف که تمام مردم باین موضوع دارند تمام اطلاعات دیگری را که در این خصوص برسد منتشر خواهیم کرد.

### سید ضیاء چه میکند؟

در این اواخر شایع شده است که سید از خود شتابی بروز نمیدهد. اطلاعاتی که ما بدست آورده‌ایم این شایعه را تایید نمیکند. بیکار هواخواهان دم‌کلفت و جدی سید در جواب سؤال که «چرا» آقا «بمجلس نمی آید و شتابی از خود بروز نمیدهد» با کمال صراحت گفت «این کارها دون شأن آقا است». «کودتائی» ، «اختیار تامی» ، «ریاست وزرائی» باشد بلی. ولی ایشان خود را باین چیزها سرگردان نمیکنند» از طرف دیگر چند نفر از هواخواهان دیگر میگویند بعد از ترمیم کابینه با بعضی وزرای خارج شده واوه مذاکره شده و میخواهد بازی کهنه را تجدید کند. این انتشار آخری صحیح بنظر نمیرسد.

ما میل داریم سید را غافل تر از آن بدانیم که باین نقشه های کودکانه دست بزند.

مثلی است میگویند «خدایا ما را از شر دوستانمان حفظ کن. جواب دشمنان را خودمان خواهیم داد». گمان میکنیم این مثل درباره سید و دوستانش کاملا صدق میکند.

### آزادی خورشید ایران

نامهٔ ماسی و رقیبه «خورشید ایران» عضو جبهه آزادی از توقیف خارج و آقای بازارگاه مدیر آن از [illegible]

## از مونیخ

### تا آغاز دومین جنگ جهانی

بقیه از صفحه اول

[illegible]

مولوتوف در ۳۱ ... ۱۹۳۹ در نطقی که در دوره سوم شورای عالی شوروی ایراد کرد لزوم احتیاط و بیداری را در روابط بین المللی تذکر داد و گفت که «بعضی از این ممالک» که عادت کرده اند «با دست غیر مار بگیرند» می [illegible] شوروی را هم وارد معامله کنند. [illegible] و اولویت [illegible] باید به مسکو گسیل داشت.

وقتی هیئت وارد مسکو شده معلوم شد هیچ یک از نمایندگان درجهٔ دوم نظامی انگلیس و فرانسه هستند [illegible]

در طی مذاکرات نمایندگان [illegible] ادعای [illegible] اختیاری برای انعقاد قرارداد و امضای پیمانی که جنبهٔ عملی داشته باشد ندارند [illegible] شرایطی [illegible] هم [illegible] نقشه‌های سیاسی را [illegible] میرسید.

در ۳۱ اوت مولوتوف در دورهٔ چهارم شورای عالی شوروی نطقی ایراد و در [illegible] مذاکرات انگلیس و فرانسه و شوروی را [illegible]

[illegible] شیراز مراجعت کرده‌اند.

[illegible] خودداری [illegible] آقای [illegible] مرحمت آورده‌ایم.

### جرائد در توقیف

نامه‌های «داد» ، «جهان ایران» ، «صدای خلق» ، «باختر» ، [illegible] ، «رهبر» که کلی در توقیف هستند. بطوریکه راجع بمضمون‌ها و این توقیف‌های خلاف قانون شده است [illegible] در مرحلهٔ امروز گفتیم و امیدواریم آقای سهیلی متوجه این موضوع شده برای رفع این توقیف‌ها و احتراز از آن در آینده تصمیم جدی و عاقلانه اتخاذ نمایند.

### راجع ببرنامه موسیقی رادیوی تهران

اغلب خوانندگان بما مراجعه کرده و از برنامه موسیقی رادیو تهران شکایت میکنند و عقیده دارند پیش‌درآمد و آواز و تصنیف و رنگ را از نوع کلاسیک قدیم بسنجد یا دو بار در هفته [illegible] اقلاً وقسمت موسیقی ایرانی خوب است از قطعات کوچک که هریک [illegible]

# مهمترین خبرهای خارجی

### در جبهه شوروی

[illegible]

### نبردهای سخت در حوالی ویتبسک

[illegible]

### ملاقات با آقای نخست وزیر

[illegible]

### رفع توقیف نجات ایران، رهبر، باختر

[illegible]

### جلسه جبهه آزادی

[illegible]

### دکتر سالازار وزیر مختار آلمان را نیز به رفت

[illegible]

### امروز باشداد به برلن حمله شد

[illegible]

### آخرین نیروی هوائی بر فراز سانتیاگو

[illegible]

### نیروی هوائی بریتانیا به برلن حمله نمودند

[illegible]

### هیئت اعزامی لبنان از بیروت حرکت خواهد کرد

[illegible]

## آگهی مناقصه

[illegible]

شهرداری تهران

## آگهی حصر وراثت

[illegible]

دادورز شعبه دادگستری [illegible]

---

ترجمه کریم کشاورز — ۴ — نگارش جون بی پریستلی

# تاریکی گرتلی

از این حرف خوشم نیامد. فکر کردم با چه کسی مرا در کلارکو دیده است. در این موقع دستپاچگی نخست سپری شد و برخودم مسلط شدم و چنین گفتم:

– من گفتم که بتازگی از کانادا بانگلستان مراجعت کرده‌ام. ولی نگفتم چه وقت بکانادا رفتم. شما البته میدانید مدتها هنوز کشتی ها از کلارکو حرکت میکنند.

خانم جواب داد. البته شما آسوفت خیال حرکت از کلارکو را داشتید!

من گفتم کاملا صحیح است. حالا دیگر شخصیت آن کسی که مشارالیها مرا با او در کلارکو دیده بود اهمیت نداشت. خانم قدری جلوتر آمده و صدایرا پراش تر کرده و گفت ولی من بعداز آنهم یکبار دیگر شمارا... در لندن دیدم. تقریبا شش ماه پیش بود. شما در رستورانی مقابل ناهار میخوردید. در اینصورت شما نمیتوانستید در کانادا باشید. چنین نیست؟

من سرم را تکان داده چنین گفتم.

– راجع بملاقات کلارکو حق با شما بود ولی خیلی معذرت میخواهم که این بار اشتباه کرده‌اید.

و شکی نیست که اشتباه نکرده بود و میدانست که من هم اینرا میدانم در این سؤال و جواب خیلی بد از آب درآمدم. فقط خودرا تسلی میدادم که هیچ اهمیتی ندارد. مشارالیها کنجکاوی مصرانه آمیزی بمن میکریست و بالاخره سؤال کرد. آیا مدت زیادی در گرتلی توقف خواهید کرد؟

من جواب دادم که خودم هم نمیدانم و بسته بآن است که مرا بخدمت بپذیرند یا نه. کوشش کردم که پاسخ من جلوه حرف راست را بکند. واقعا هم حقیقت امر همین بود. مشارالیها کارت ویزیتی در آورده و بسوی من دراز کرده و گفت:

– از این جسارت معلوم کنید. ولی این قصه خیلی شگفت آور است. من ممکن نیست شما را در کلارکو دیده باشم و بعد در لندن بایکنفر دیگر اشتباه کنم.

هرگز در زندگی خود چنین اشتباهاتی نکرده ام. این کارت را بگیرید واگر روزی علت این پیش‌آمد را دریافتید بمن تلفون کنید و یا یک فنجانی چای و یا گیلاس شراب باهم بنوشیم. من نزدیک شهر گرتلی و در مجاورت کارخانه های پلنون اسپیت منزل دارم.

گفتگوی ما بهمین جا ختم شد. مشارالیها چشم را فرو بست. تبسم مسخره آمیزی هنوز در گوشه لبانش باقی بود. من بدون اینکه بکارت ویزیت بنگرم درجیب جلیقه پنهانش کردم و خود را به پالتوی سنگین [illegible] گشادم پیچیدم

بعد [illegible] گفتم که آمدن آن مردم در گرتلی خیلی [illegible]

[illegible]

دیگر امشب را در [illegible]

[illegible]

در وجود من بشخص دیگری تکان خورد. (این دیگر هیچ چیز [illegible]) [illegible] خود در روی زمین خودمان برپا شده ظاهر شد....